

سنتز و مقایسه ترکیبات کربنیل فلورید منگنز

دکتر محمد مهدی کاشانی مطلق

استادیار دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده:

اولین کربنیل فلوریدهای منگنز اولیه با فرمولهای خام $Mn(CO)_3F_3$ و $[Mn(CO)_4F]_2$ از طریق انجام واکنش بین $Mn(CO)_5Br$ و AgF تحت شرایطی متفاوتی تهیه می‌گردند. این ترکیبات از طریق تجزیه عنصری، اندازه‌گیری میزان هدایت الکتریکی طیف سنجی‌های مادون قرمز و جرمی شناسائی شده‌اند.

Synthetic and Comparisons of Carbonyl Fluorides of Manganese Compounds.

M. M. Kashani — Motlagh, ph. D.

Chem. Eng. Dept. Univ. of Science & Technology — Iran

ABSTRACT

The first carbonyl fluorides of manganese, $Mn(CO)_3F_3$ and $[Mn(CO)_4F]_2$ have been prepared by reacting $Mn(CO)_5Br$ with AgF under slightly different reaction conditions. The compounds have been characterized by elemental analysis, conductance measurement IR and mass spectrometric studies.

کارهای عملی:

تمامی واکنشها و عملیات لازم به استنتاج موادری که ذکر می‌گردد در آتسفر بی اثر (نیتروژن یا آرگون) انجام گرفته‌اند. تمامی گازهای موجود در حلال‌ها پیش از استفاده، از آن‌ها خارج گردیده‌اند. آنالیزهای لازم در آزمایشگاه‌های تجزیه موسسه آموزش عالی - آلمان غربی^{*} انجام گرفته‌است. طیف IR این دو ترکیب با استفاده از طیف‌سنج مدل ۱۲۵ Perkin-Elmer در Nujol-Mulls بدست آمد. در حدود آنکه هیچگونه کربنیل فلورید منگنز تقریباً در ۲۰ سال اخیر (۶ و ۷) شناخته شده‌اند کربنیل فلوروئیدهای رنیوم با فرمول F_5CO_5 , $Re(CO)_3F_3$, $Re(CO)_4F$ فقط اخیراً "معرفی گردیده‌اند" در گزارش نشده است. حال می‌خواهیم طرز تهیه و ویژگی‌های دو نوع از کربنیل فلوریدهای منگزیعنی $Mn(CO)_3F_3$ و $[Mn(CO)_4F]_2$ را مطابق مولاری استفاده از یک پله‌های:

مقدمه

مطالعه بر روی کربنیل فلوریدهای فلزی یکی از مباحث جالب در شیمی کربنیل‌های عناصر واسطه می‌باشد (۶-۷). بنابراین کربنیل هالیدهای ملکولی منگزورنیوم که هالوژن آنها کلر، برم و یا یدمی‌باشد تقریباً در ۲۰ سال اخیر (۶ و ۷) شناخته شده‌اند کربنیل فلوروئیدهای رنیوم با فرمول F_5CO_5 , $Re(CO)_3F_3$, $Re(CO)_4F$ فقط اخیراً "معرفی گردیده‌اند" در حدود آنکه هیچگونه کربنیل فلورید منگنز تقریباً در ۲۰ سال اخیر (۶ و ۷) شناخته شده‌اند کربنیل فلوروئیدهای رنیوم با فرمول F_5CO_5 , $Re(CO)_3F_3$, $Re(CO)_4F$ فقط اخیراً "معرفی گردیده‌اند" در گزارش نشده است. حال می‌خواهیم طرز تهیه و ویژگی‌های دو نوع از کربنیل فلوریدهای منگزیعنی $Mn(CO)_3F_3$ و $[Mn(CO)_4F]_2$ را مطابق نمائیم.

* Anorganische chemieall – Ruhr – university Bochum (west Germany).

پس از تکمیل واکنش، مخلوط حاصله از صافی عبور داده شد و در یک سیستم خلا "تغليظ گردید و این امر منجر به تشکیل محصولی رنگ زرد - نارنجی روشن گردید . محصول عمل $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2\text{F}_4$ به وسیله عمل کریستالیزاسیون مجدد از مخلوط دیکلرومتان و استون تخلیص شد .

بازده: $\frac{1}{3}\text{ g} / \frac{1}{15}\text{ g}$ (%)

در اندازه‌گیری نقطه ذوب، دمای مشخص مشاهده نشد و ترکیب در دمای 210°C شروع به تجزیه نمود . (مقادیر عناصر تشخیص داده شده

$29/\text{Mn}=15/09$, $25/\text{F}=25/09$, $29/\text{C}=29/09$

مقادیر محاسبه شده $\text{C}=10/22$, $\text{F}=25/83$, $\text{Mn}=29/54$, $\text{M}=271/96$

ترکیبات حاصل، به وسیله تجزیه عنصری، مطالعات طیف‌سنجی جرمی، تست IR و به وسیله اندازه‌گیری‌های هدایت مولار شناسائی شده‌اند .

طرز تهیه: $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$

۱۵/۷۵ گرم (۲/۲۵ میلی‌مول) $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2$ و ۰/۰ گرم (۲/۲۵ میلی‌مول) AgF درون یک هاو چینی به خوبی مخلوط شده و به مدت ۱۸ تا ۲۵ دقیقه همراه با CH_2Cl_2 سیاب گردید . اکنون کل مخلوط درون یک پالن پیراکس ته گرد ۱۰۰ میلی لیتری قرار گرفته و با یک هم زن مغناطیسی به مدت ۸۰ دقیقه در یک سیستم بسته، بهشت بهم زده شد . این آزمایش با اخذ طیف IR از نمونه در فاصله‌های زمانی ۱۵ دقیقه یکبار دنبال گردید . گاز خروجی نیز هرچندگاه یکبار به خارج تخلیه شد .

سپس مخلوط از صافی عبور داده شده و در دمای 85°C به مدت نیم ساعت سرد گردید به طوری‌که این عمل همراه با عبور دادن مدام مخلوط از صافی صورت گرفت . ماده اضافی (حدود ۷ تا ۸ برابر به وسیله آسیاب نمودن مخلوط به مدت تقریباً 25°C دقیقه همراه با بهم زدن در یک سیستم بسته $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$ به مدت می‌آید در حالی‌که از واکنشین $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2$ با نسبتی مولی ۱ به ۲ بدون آن که از پیش آسیاب گردند .

با تغییر شرایط واکش دونونگ کربنیل فلوجورید متفاوت می‌توانند حاصل

گردند . در صورت مصرف AgF اضافی (حدود ۷ تا ۸ برابر به وسیله آسیاب نمودن مخلوط به مدت تقریباً 25°C دقیقه همراه با بهم زدن در یک سیستم بسته $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$ به مدت می‌آید در حالی‌که از واکنشین $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2$ با نسبتی مولی ۱ به ۲ بدون آن که از پیش آسیاب گردند .

آنچه که می‌توان از واکنش دوم استنباط نموده این است که واکنش از

طریق تشکیل ترکیب واسطه $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{F}$ پیشرفت می‌نماید که احتمالاً

بعلت نایابیاری، حتی اگر شرایط واکش چندان هم متفاوت نباشد،

آنچه که می‌توان از واکنش اول استنباط نموده این است که واکنش از

طیف ترکیب $\text{Mn}(\text{CO})_4\text{F}_2$ می‌گردد .

هدایت مولار $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$ در استون در 21°C برابر

$1/15\text{ cm}^2\text{ Ohm}^{-1}\text{ mole}^{-1}$ می‌باشد که دال بر ملکولی بودن اجزاء آن

می‌باشد . احتمال می‌رود به علت پائین بودن فشار بخار این ترکیب،

یک طیف جرمی مطلوب در دماهای نسبتاً زیاد قابل حصول باشد .

طیف جرمی ϵ :

در 250°C نشان دهنده پیک ملکولی در $(\text{m/e})=196$ می‌باشد که به

دنبال آن پیک‌هایی است که در نتیجه از دست دادن متواالی گروه‌های

CO حاصل می‌گردد و به پیک MnF_3 ($\text{m/e}=112$) و Mn_2CO ($\text{m/e}=111$) می‌شود . به

علاوه، از پیداپیک‌هایی در $(\text{m/e})=83$ و 111 که به ترتیب در

نتیجه وجود یونهای $\text{Mn}(\text{CO})_2^+$ و Mn_2CO^+ می‌باشد . چنین

استنباط می‌شود که احتمال تفکیک همزمان ملکولها و یا یونها در نتیجه

از دست دادن گروه‌های F نیز وجود دارد . مطالعه در زمینه ترکیبات

از دست دادن گروه‌های F نیز وجود دارد .

این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

طرز تهیه: $\text{Mn}(\text{CO})_4\text{F}_2$ در استون و در دمای معمولی تعیین گردیده‌اند .

با استفاده از روش ویلیکسون و همکاران تهیه شده است . (۲)

ترکیبات حاصل، به وسیله تجزیه عنصری، مطالعات طیف‌سنجی جرمی، تست IR و به وسیله اندازه‌گیری‌های هدایت مولار شناسائی شده‌اند .

بازده: $\frac{1}{3}\text{ g} / \frac{1}{15}\text{ g}$ (%)

در اینجا نتایج و مباحثات

پنتاکربنیل برومید منگنز $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2$ تحت شرایطی که تا حدودی با شرایط سایر واکنش‌ها متفاوت می‌باشد به طرق مختلفی با AgF در واکنش شرکت می‌نماید . یکی از اهداف ما به دست آوردن ترکیب $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{F}$ بوده است، اما بسیاری از تلاشها برای رسیدن به این هدف ناموفق بوده‌اند .

با تغییر شرایط واکش دونونگ کربنیل فلوجورید متفاوت می‌توانند حاصل گردند . در صورت مصرف AgF اضافی (حدود ۷ تا ۸ برابر به وسیله آسیاب نمودن مخلوط به مدت تقریباً 25°C دقیقه همراه با بهم زدن در یک سیستم بسته $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$ به مدت می‌آید در حالی‌که از واکنشین $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{Br}_2$ با نسبتی مولی ۱ به ۲ بدون آن که از پیش آسیاب گردند .

آنچه که می‌توان از واکنش دوم استنباط نموده این است که واکنش از طریق تشکیل ترکیب واسطه $\text{Mn}(\text{CO})_5\text{F}$ پیشرفت می‌نماید که احتمالاً بعلت نایابیاری، حتی اگر شرایط واکش چندان هم متفاوت نباشد،

آنچه که می‌توان از واکنش اول استنباط نموده این است که واکنش از

طیف ترکیب $\text{Mn}(\text{CO})_4\text{F}_2$ می‌گردد .

هدایت مولار $\text{Mn}(\text{CO})_3\text{F}_3$ در استون در 21°C برابر

$1/15\text{ cm}^2\text{ Ohm}^{-1}\text{ mole}^{-1}$ می‌باشد که دال بر ملکولی بودن اجزاء آن

می‌باشد . احتمال می‌رود به علت پائین بودن فشار بخار این ترکیب،

یک طیف جرمی مطلوب در دماهای نسبتاً زیاد قابل حصول باشد .

طیف جرمی ϵ :

در 250°C نشان دهنده پیک ملکولی در $(\text{m/e})=196$ می‌باشد که به

دنبال آن پیک‌هایی است که در نتیجه از دست دادن متواالی گروه‌های

CO حاصل می‌گردد و به پیک MnF_3 ($\text{m/e}=112$) و Mn_2CO ($\text{m/e}=111$) می‌شود . به

علاوه، از پیداپیک‌هایی در $(\text{m/e})=83$ و 111 که به ترتیب در

نتیجه وجود یونهای $\text{Mn}(\text{CO})_2^+$ و Mn_2CO^+ می‌باشد . چنین

استنباط می‌شود که احتمال تفکیک همزمان ملکولها و یا یونها در نتیجه

از دست دادن گروه‌های F نیز وجود دارد .

این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

بازده: $\frac{1}{7}\text{ g} / \frac{1}{17}\text{ g}$ (٪ $31/4$), نقطه ذوب 232°C

(درصد عناصر تجزیه داده شده: $\text{C}=11/15$, $\text{F}=28/72$, $\text{Mn}=28/13$)

حرم ملکولی (با استفاده از طیف‌سنج جرمی) 196 به فرمول $\text{C}_3\text{F}_3\text{MnO}_3$

مقادیر حاصل از محاسبه: $\text{C}=18/38$, $\text{F}=29/98$, $\text{Mn}=28/04$

حرم ملکولی $115/978$ (به معنای پیک VS, Br)

توضیح: (VS) به معنای پیک بسیار تیز و شدید (به معنای پیک VS: very sharp very strong

VS, br: very strong and broad

sh: shoulder

طرز تهیه: $\text{Mn}(\text{CO})_4\text{F}_2$ در استون و در دمای معمولی تعیین گردیده‌اند .

با استفاده از روش ویلیکسون و همکاران تهیه شده است . (۲)

ترکیبات حاصل، به وسیله تجزیه عنصری، مطالعات طیف‌سنجی جرمی،

تست IR و به وسیله اندازه‌گیری‌های هدایت مولار شناسائی شده‌اند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار روند .

است، این علائم برای توصیف اشکال ثبت شده توسط IR بکار

ferences

- R.R. Kemmitt R.D. Peacock and J.L. Wilson, J.C.S. Chem Comm. (1968) 772
- C.J. Marshall, R.D. Peacock, D.R. Russell and J. L. Wilson, J. C. S. Chem. Comm. (1970) 1643
- T. A. O. Donnell and K. A. Phillips, Inorg. Chem. 2 (1970) 2611
- T. A. O. Donnell and K. A. Phillips, Inorg. Chem. 11 (1972) 2563
- T. A. O. Donnell and K. A. Phillips, Inorg. Chem. 12 (1973) 1437
- T. A. O. Donnell, K. A. Phillips and A. B. Waugh, Inorg. Chem. 12 (1973) 1435
- E. W. Abel and G. Wilkinson, J. Chem. Soc (1959) 1501
- J. Chatt, P.L. Pauson and L. M. Venanzi in "Organometallic Chemistry" ACS Monograph No. 147, H.H. Zeiss, Ed., Reinhold, New York, N.Y. (1960) pp 509 - 513
- J. A. Bowden and R. Colton, Aust. J. Chem. 21 (1968) 2657
- K. Edgar, B.F.G. Johnson, J. Lewis, J.G. Williams and J. M. Wilson J. Chem. Soc. (A) (1967) 379
- D. M. Adams "Metal-Ligand and Related Vibrations", Edward Arnold (pub). London (1967) P. 102
- A. A. El-Sayed and H. D. Kaez, Inorg. Chem., 2 (1963) 158

دیگری (e) گسترده بوده و دارای انرژی کمتری است . این ترکیب نشان دهنده دو باند $(CO)_4F$ می باشد که یکی در 2037cm^{-1} (شید) و دیگری در 1944cm^{-1} پیک بسیار قوی اما پهن می باشد .

در 1922cm^{-1} نیز پیکی در حاشیه و بسیار ضعیف ایجاد می گردد که طرح آن ساده تر است . در مورد $Re(CO)_3F_3$ نیز نتایج مشابه وجود دارد و پیدایش پیک ضعیف حاشیه در طیف مذکور در نتیجه اثرات کربستالی است و ترکیب دارای ساختمانی مشابه $Re(CO)_3F_3(4,6)$ می باشد .

اگرچه برای ترکیب $[Mn(CO)_4F]_2$ طیف جرمی مطلوبی نمی توان بدست آوردن اما در (m/e) ۲۱۴، ۲۱۲، ۲۰۵، ۱۸۵، ۱۶۹ مناطقی وجود دارند که به ترتیب در نتیجه ایجاد یون های $Mn_2(CO)_5F^+$ ، $Mn_2(CO)_2F_2^+$ ، $Mn(CO)_4F_2^+$ ، $Mn(CO)_5F^+$ ، $Mn_2(CO)_3F^+$ می باشد و به طور قطع تضمین کننده درستی فرمول پیشنهاد شده برای جسم هستند . هدایت مولار در استون در $21C$ برابر $66/60$ بوده و دال بر ماهیت ملکولی ترکیب می باشد .

طیف IR در منطقه (CO) نشان دهنده ۴ باند می باشد که قسمت های پر انرژی موجود در میان آنها نسبتاً " ضعیف " می باشد . به علت آن که تمامی فرکانسها در محدوده 2100cm^{-1} - 1900cm^{-1} می باشند ، بهتر است فرض نمایم که ترکیب حاصل ، دیمری است که در آن گروه های کربنیل رابط (پل) وجود ندارد . این فرض مطابق با مشاهداتی است که بر روی سایر دیمرهای تتراکربنیل هالید منگنز و هم گروه های آن تکسیوم Re و نیوم Tc انجام گرفته است . نظر به این که انتظار می رود در اطراف هر اتم فلزی یک تقارن موضعی هشت وجهی موجود باشد .

به طوری که اتم های فلورور به عنوان اتم های رابط عمل نمایند ، لذا چنین استنباط می شود که این ملکول $[Mn(CO)_4F]_2$ دارای ساختمانی مشابه با سایر دیمرهای تتراکربنیل هالید منگنز می باشد (۱۲) .

